



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان

(با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش)

حجة الاسلام علی همت بناری

محقق حوزه و کارشناس ارشد علوم تربیتی

پیرامون عناصر تشکیل دهنده تربیت دینی یعنی تربیت و دین تفاسیر و تعاریف متعدد و فراوان وجود دارد که بالتبع در تعریف و تفسیر عنوان ترکیبی آن تأثیرگذار است و تعاریف گوناگون^۱ از آن به دنبال دارد که پرداختن به آنها و نقد و بررسی آنها فایده مهم و دستاورد برجسته‌ای در این مقال ندارد، بنابراین شایسته آن است که بدون مقدمات زاید و جمله‌پردازی‌های غیر ضرور، مقصود خود از تربیت دینی را بیان و بر اساس آن دیدگاه‌های خود را ارزیابی نماییم.

مقصود از تربیت دینی نوجوانان و جوانان در این مقال آشنایی آنان با مجموعه معارف دینی (اعم از احکام عملی، اعتقادات، اخلاقیات و سایر معارف دینی) و التزام قلبی و عملی به آنها به میزانی که دین مبین اسلام در این مقاطع سنی از آنان انتظار دارد، می‌باشد. همچنین مراد از آسیب‌شناسی، شناخت عوامل و زمینه‌های آسیب‌زایی است که سبب ناآشنایی به معارف دینی و عدم پای‌بندی و رغبت به دین و مظاهر آن در نتیجه سستی در انجام وظایف دینی و اسلامی نوجوانان و جوانان می‌گردد.

۱. برای اطلاع از برخی از این تعاریف رک. توماس، آرام، «تربیت دینی»، ترجمه محمدصادق موسوی، مجله معرفت، ش ۳۳، صص ۲۲-۲۳ و زارعان، محمد جواد، «تربیت دینی، تربیت لیبوال» معرفت، ش ۳۳، صص ۱۱-۱۲ و «میزگرد تعلیم و تربیت دینی»، معرفت، ش ۳۲، صص ۹-۱۱.

به طور کلی عوامل آسیب‌زا و موانع تربیت دینی را می‌توان به عوامل درونی (عوامل مربوط به خود نوجوانان و جوانان) و عوامل بیرونی (عوامل مربوط به خارج از نوجوانان و جوانان) تقسیم نمود و عوامل بیرونی را به عوامل و موانع خارج از نظام آموزش و پرورش و عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش دسته‌بندی نمود. در این مقاله تأکید بر توضیح و تحلیل عوامل بیرونی به ویژه عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش است.

الف) عوامل مربوط به نوجوانان و جوانان:

در این زمینه عوامل متعدد می‌تواند نقش داشته باشد و ما در اینجا به مهمترین عامل اشاره می‌کنیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل آسیب‌زای درونی، آسیب‌پذیری مقطع نوجوانی و جوانی است. این مقطع سنی، مقطعی حساس و بحرانی برای نوجوان و جوان است، مسایل و بحران‌های بلوغ از یک طرف، کنجکاوی و ایجاد تردیدهای مذهبی از سوی دیگر، ناپختگی و بی‌تجربگی و گرایش سریع به الگوهای غیر واقعی و ناصالح و عدم تشخیص نیازهای واقعی از غیر واقعی، زمینه‌هایی است که اگر از سوی خانواده‌ها و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی اسلامی درک نشود و مورد توجه قرار نگیرد سبب بروز مشکلات و اختلال در تربیت دینی آنان می‌گردد.

ب) عوامل مربوط به خارج از نظام آموزش و پرورش:

این عوامل نیز بسیار متعدد است و در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. کم‌توجهی یا بی‌توجهی خانواده‌ها:

از مهم‌ترین عوامل بیرونی می‌توان به کم‌توجهی و بلکه بی‌توجهی برخی خانواده‌ها به تربیت دینی فرزندان‌شان اشاره نمود. امروزه مشکلات خانواده‌ها به ویژه تنگنای معیشتی از یک سوی و سستی و بی‌اهمیتی برخی خانواده‌ها از سوی دیگر نقش خانواده‌ها در پرورش دینی فرزندان را کم‌رنگ کرده است، آری چه بسا پدرانی که از شکم‌گرسنه فرزندان و لباس نامناسب آنان در رنجند - که به حق باید در رنج باشند - اما از دروغ‌گویی فرزندان، از اعتماد و بی‌هویتی شخصیت فرزند و خلاصه از بزهکاری او در رنج نیستند، چه پدرانی که تمام هم و غمشان کسب و تجارت، حفظ مقام و ریاست،

خوش گذرانی و سیاحت است در حالی که فرزندان‌شان در آتش گمراهی و ضلالت و منجلاب بی‌هویتی و رذالت می‌سوزند و دیری نمی‌پاید که شعله‌های آتش انحراف، آنان را به کام خود فرو می‌برد. اینجاست که انسان به یاد سخن پیامبر رحمت و شفقت می‌افتد که فرمود: «وای بر فرزندان آخرالزمان از شیوه ناپسند پدران‌شان، عرض شد یا رسول الله پدران مشرکشان فرمود خیر [بلکه] پدران مسلمانی که چیزی از فرایض [معارف دینی] را به فرزندان‌شان نمی‌آموزند و اگر هم خودشان بخواهند یاد بگیرند آنها را منع می‌کنند...»^۱.

۲. ضعف و ناکارآمدی کانون‌های دینی:

عامل مهم دیگر ضعف و ناکارآمدی کانون‌های دینی و مذهبی است، آیا به راستی کانون‌های دینی به نحو مطلوب به رسالت خویش وفا نموده‌اند؟ آیا در این بیست و اندی سال که از انقلاب شکوهمند اسلامی گذشته است کانون‌های دینی متناسب با نیازهای دینی نسل نوجوان و جوان قدم برداشته‌اند؟ آیا به راستی مراکزی برای سنجش نیازهای بی‌شمار دینی و طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آنها تشکیل شده است؟ از میان مراکز پژوهشی متعدد در عرصه دین و معارف اسلامی - که البته هنوز هم بسیار کم است - چند درصد آنها به پژوهش در مسایل تربیت دینی نسل جوان می‌پردازد، اصولاً آیا اینگونه کانون‌ها دغدغه شناخت، گردآوری و پاسخ‌گویی به نیازهای دینی نسل جوان را آن‌گونه که بایسته است دارند؟ و اگر دارند تاکنون چه اقداماتی انجام داده‌اند و چه برنامه‌هایی برای آینده دارند؟

۳. ضعف شیوه‌های پیام‌رسانی دینی:

ما در عصر ابتکارات و خلاقیت‌ها به سر می‌بریم؛ هر روز شیوه‌های جدید اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی ابداع می‌شود و برای پیام‌رسانی در هر زمینه‌ای ابزار و فن‌آوری مناسب آن به بازار عرضه می‌شود، ولی آیا شیوه‌های پیام‌رسانی در عرصه دین و معارف دینی، شیوه‌های کارآمد و به روز است؟ آیا وقت آن نرسیده که در برخی شیوه‌های سنتی تبلیغ و پیام‌رسانی دینی تجدید نظر شود؟ بی‌شک شیوه منبر و وعظ یکی از

شیوه‌های اصیل و مؤثر تبلیغ دینی است و جایگاهش در حال و آینده باید محفوظ باشد ولی آیا این شیوه در همه جا و برای همه اقشار جامعه مفید است؟ آیا برای مبلغان دینی به ویژه ائمه جماعات مساجد و مراکز دولتی به غیر از سخنرانی و یا در کنار سخنرانی و خطابه، شیوه‌های دیگری نمی‌توان یافت؟^۱ آیا مبلغان دینی در ایام تبلیغ برنامه‌های لازم همراه با شیوه‌های متناسب و متنوع را برای نسل نوجوان و جوان دارند؟

۴. برداشت‌های ناصحیح و استفاده ابزاری از دین:

عامل آسیب‌زای دیگر برداشت‌های سست و ناصحیح و عرضه نادرست محتوای دین است. برداشت‌ها و تفسیرهای نادرست از دین از چند جهت قابل تصور است. برداشت ناصحیح گاهی از سوی کسانی است که بدون داشتن تخصص و خبریت در دین، در تفسیر و تبلیغ دین دخالت می‌کنند و از این اصل عقلایی که در هر زمینه‌ای باید به اهلش مراجعه کرد عدول نموده و پا را از گلیم خود فراتر می‌گذارند و در نتیجه، برداشت‌های ناصوابی از دین را عرضه می‌کنند. گاهی این تلقی ناصحیح از سوی اصحاب دین و کانون‌های دینی است که به ظاهر با معارف دینی آشنا هستند و داعیه تخصص در دین دارند اما آنان به خاطر برخی اندیشه‌های سنتی و خشک و به علت برخی احتیاط‌های نابجا برداشت‌های غیرواقعی و خشکی از دین ارایه می‌دهند که در حقیقت گوهر دین به دور از آنهاست. آسیب دیگری که در اینجا قابل طرح است استفاده ابزاری از دین و کانون‌ها و مظاهر دینی و مقدس است و تاسف آورتر این که حتی از همین تعبیر «استفاده ابزاری از دین که حقیقتی انکارناپذیر است» نیز استفاده ابزاری می‌شود و برخی اصحاب قلم و مطبوعات از آن ابزاری برای رسیدن به مقاصد خویش ساخته‌اند.

ولی به هر حال این نیز یک واقعیت است که در جامعه ما و در عرصه تعلیم و تربیت دینی گاهی از دین و مظاهر آن استفاده ابزاری می‌شود. برخی با تفسیر به رأی از دین بر آن بخش‌هایی از دین و اندیشه‌های دینی پای می‌فشارند که در راستای اهداف حزبی و گروهی خویش است و برخی دیگر نیز در مقابل اینان به بخش دیگر دین که با برداشت‌های خویش سازگارتر می‌نماید تمسک می‌جویند. متأسفانه خلط سیاست

۱. رک: عدالتی، غلامرضا؛ «کاربرد تکنولوژی آموزشی در تربیت دینی» خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی

زدگی با سیاسی بودن و به خدمت درآوردن کانون‌های دینی در خدمت سیاست بازی و سیاست زدگی نیز آفت و آسیب دیگری است. برخی کانون‌های دینی به جای ایفای رسالت دینی و اسلامی خویش احیاناً در خدمت اهداف و مقاصد سیاسی قرار می‌گیرند و در اندک زمان احزاب و گروه‌های سیاسی از برخی چهره‌های مذهبی بیش از وزن علمی خود شخصیت‌های آنچنانی می‌سازند و آنان را به عنوان الگو معرفی می‌کنند و پر واضح است که الگوهای ساختگی هرگز نقش الگویی مثبت خود را ایفاء نخواهد کرد و جز بدبینی و بی‌رغبتی به دین و مظاهر دینی نتیجه‌ای به بار نمی‌آورد.

۵. عدم پاسخ‌گویی کامل به نیازها و مشکلات نسل جوان:

مشکلات ویژه جوانان، ابتدایی‌ترین مشکلات نظام‌های حکومتی گوناگون است و عدم پاسخ‌گویی به موقع و کامل به آنها منشأ بسیاری مشکلات دیگر می‌گردد، در یک جامعه‌ای که نظام حکومتی دینی و اسلامی دارد این مشکلات تبعات منفی بیشتری دارد از مهم‌ترین تبعات ویژه این نظام‌ها، گذاردن این مشکلات به حساب نظام اسلامی و دست اندرکاران و حاکمان آن است. همچنین صرف نظر از نکته فوق وجود برخی مشکلات زمینه ساز انحراف و بی‌رغبتی به دین است؛ بیکاری، عدم ازدواج و عدم تأمین معیشتی زمینه دین‌گریزی و سستی نسبت به تربیت دینی را فراهم می‌سازد، جوانی که در آتش غریزه جنسی می‌سوزد، جوانی که بر اثر بیکاری و عدم امید به آینده سر از یأس و ناامیدی در می‌آورد، جوانی که به مشکلات روحی و روانی مبتلا شده است چگونه انتظار دین‌داری و التزام به دین از او می‌توان داشت، آری، این که دین خردگرا و حکمت مدار اسلام در کنار مسایل معنوی بر مسایل مادی و اقتصادی نیز تأکید می‌کند و فقر و دست‌تنگی را مایه کفر^۱ معرفی می‌کند به خاطر همین تبعات و آثار سوء است.

۶. تهاجم فرهنگی:

بی‌شک تهاجم فرهنگی از واقعیت‌های مسلم جامعه ماست، البته امروزه با گسترش تکنولوژی اطلاع‌رسانی، تهاجم فرهنگی کمابیش مسأله‌ای جهانی شده است و حتی در کشورهای غیر اسلامی نیز به عنوان یک واقعیت پذیرفته شده و رهبران و حاکمان در

۱. قال رسول‌الله(ص): «كاد الفقر ان يكون كفراً وكاد الحسد ان يقلب القدره». اصول کافی، ج ۲، ص ۳۱۰.

صدد چاره‌اندیشی و مقابله با آن بر آمده‌اند، اما این واقعیت در کشور ما ابعاد و جلوه بیشتری دارد. انقلاب اسلامی ایران که اندیشه‌های جدیدی در دنیا مطرح کرد و نظام کشور ما که با عنوان جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی تجربه‌ای نوین در سطح حکومت‌های دنیا عرضه کرده است بیش از سایر کشورها و نظام‌های حکومتی مورد تهاجم فرهنگی خواهد بود. این تهاجم با ابعاد گسترده و به شیوه‌های مختلف تحقق یافته است و نوجوانان و جوانان ما مهم‌ترین هدف آنان و آسیب‌پذیرترین قشر جامعه اسلامی ما هستند امروزه شبهه افکنی و شبهه‌سازی در حوزه فرهنگ دینی یکی از پرخطرترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت دینی است؛ تردید و شبهه در مبانی دینی و اعتقادی، ناکارآمد جلوه دادن نظام جمهوری اسلامی، ایجاد ذهنیت و بدبینی نسبت به کانون‌های دینی و مذهبی، همه و همه جلوه‌هایی از این تهاجم است. از جلوه‌های دیگر این تهاجم در عرصه تربیت دینی می‌توان به فیلم‌ها و نوارهای مبتذل، سایت‌های اینترنتی گمراه‌کننده و فسادآور، کتب و نشریات اغواکننده اشاره نمود که وضعیت فعلی کشور ما در اثر سوء استفاده از شعار مقدس و مبارک آزادی زمینه‌بازتری برای آن فراهم است.

۷. عدم درک واقعیات دوره نوجوانی و جوانی و رفتارهای تند و منفی نسبت به نوجوانان و جوانان:

واقعیت آن است که دوره نوجوانی و جوانی اقتضانات ویژه خود را دارد. نوجوان استقلال طلب، آزادی خواه، آرمان‌گرا و تا حدودی ستیزه‌گر است از سوی دیگر این قشر از جامعه کم تجربه، ناپخته و احساسی هستند. مشکلات دوران بلوغ و تجلی نیازهای جدید و عدم پاسخ‌گویی به موقع نیز جلوه‌های دیگر واقعیات دوره نوجوانی و جوانی است.

جالب این است که دین واقع بین اسلام نیز بدین واقعیات توجه نموده است و رهبران الهی و معصومین علیهم‌السلام در برخوردهای خود با جوانان و مسایل آنان نکات مهم و ارزنده‌ای به رهروان خویش عرضه داشته‌اند. برای نمونه وقتی امام علی علیه‌السلام با خدمت‌کارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو درهمی و سه درهمی خریداری نمودند، امام پیراهن سه درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتری، چون شما بالای منبر می‌روی و خطبه می‌خوانی. امام در جواب فرمود:

«...انت شاب و لك شره الشباب؛ تو جوان هستی و میل جوانی داری^۱». در این روایت ملاحظه می‌شود که حضرت به نحوی اقتضای جوانی یعنی لباس قیمتی‌تر و به طور طبیعی شیک‌تر برای جوانی که در خدمت آن حضرت است مورد توجه قرار داده و او را بر خود ترجیح داده‌اند.

نمونه دیگر، سخن امام صادق علیه السلام به زراره است: به نقل از ابن رثاب، زراره که جوان بود خدمت حضرت رسید، حضرت پرسید ازدواج کرده‌ای؟ گفت، نه. حضرت فرمود چه چیز مانع ازدواج تو شده است؟ گفت نمی‌دانم آیا ازدواج با کنیزها خوب است یا نه؟ حضرت فرمود: «کیف تصویر وانت شاب؛ چگونه صبر می‌کنی و در حالی که جوان هستی؟ برو و کنیز خریداری کن^۲». این قسمت از سخن حضرت بر شدت غریزه جنسی جوان تأکید دارد چرا که صبر در برابر کارهای سخت و طاقت فرسا معنا پیدا می‌کند.

۸. عدم پاسخ‌گویی لازم به پرسش‌های دینی نوجوانان و جوانان:

نوجوانان و جوانان ذهن خلاق و جستجوگر دارند. آنان کنجکاو و پرسش‌گر هستند و همچنان که پیش از این نیز اشاره شد، در مقطعی از سن نوجوانی، تردیدها و شبهاتی نسبت به برخی مسایل اعتقادی در آنان ایجاد می‌گردد. از سوی دیگر در پرتو تهاجم فرهنگی، موجی از شبهات در عرصه‌های مختلف دینی جوانان ما را مورد هجوم قرار می‌دهد. این شبهات و پرسش‌ها به قول شهید مطهری گذرگاه‌های خوبی هستند اما دوام آنها و عدم پاسخ‌گویی به آنها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه‌های دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی آنان را سست می‌کند.

۹. عدم برخورد‌های صحیح با نوجوانان و جوانان:

نوجوانان و جوانان به دلیل برخورداری از ویژگی‌های این مقطع سنی یعنی ناپختگی، کمی تجربه، احساسات شدید و مشکلات بلوغ و طوفان غرایز، به طور طبیعی امکان خطا و اشتباه در آنان بیشتر است، از سوی دیگر ویژگی‌های روان‌شناختی دیگری چون

۱. بحارالتواریخ ج ۱۰۰، ص ۹۴-۹۳. برای اطلاع بیشتر از توجه معصومین(ع) به واقعیت‌های مربوط به جوانان ر.ک: تربیت جوان از دیدگاه معصومین(ع) اثر نگارنده، مجله فرهنگ کوثر سال دوم شماره ۱۴ و سال سوم

۲. بحارالتواریخ ج ۶۹، ص ۱۶۶، ح ۳۴.

استقلال‌طلبی، آزادی خواهی، ستیزه جویی و از این مهم‌تر تحول در خواسته‌های این نسل بر اثر تحولات سریع فرهنگی و غیر فرهنگی این عصر در مقایسه با گذشته، زمینه چالش‌ها و تضادها را در میان این قشر و بزرگ‌ترها اعم از والدین و سایر دست‌اندرکاران مسایل این قشر به وجود آورده است. در اینجا است که نحوه برخورد با مشکلات و مسایل تربیت دینی این قشر بسیار ظریف و حساس خواهد بود. در چنین شرایطی بسیاری از خانواده‌ها و دست‌اندرکاران کانون‌های دینی بدون توجه کافی به واقعیات دوران نوجوانی و جوانی و مشکلات ویژه آنان اقدام به واکنش‌های تند و افراطی می‌کنند و اصل مهم تربیتی تغافل را در موارد بجا و شایسته خود مورد غفلت قرار می‌دهند و با برخوردهای افراطی خود جوانان را از دین و مظاهر دینی دلسرد و برای آنان ذهنیت‌های منفی نسبت به دین و امور دینی ایجاد می‌کنند و چه بسا یک یا دو برخورد ناسنجیده و ناصواب برای همیشه جوانانی را از عرصه تربیت دینی دور گرداند.

ج) عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش:

۱. عدم اولویت همه جانبه تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش متناسب با نظام جمهوری اسلامی:

بارزترین ویژگی انقلاب ما، اسلامی و دینی بودن آن است، انقلاب ما انقلابی ارزشی، فرهنگی و تربیتی است و با هدف حاکم شدن ارزش‌های اسلامی و حرکت در مسیر تربیت دینی شکل گرفته است. به طور طبیعی می‌بایست نخستین تحولات در عرصه فرهنگی و تربیتی رخ دهد و تربیت دینی در کانون فعالیت‌ها باشد.^۱ خوشبختانه مسئولین و دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش در راستای اهداف و انتظارات فوق اقدامات بزرگ و ستودنی داشته و دارند و نادیده گرفتن اینها به دور از انصاف و عدالت است، ولی سخن در این است که آیا این فعالیت‌ها و تحولات، متناسب با شأن نظام اسلامی است؟ آیا از همه ظرفیت‌های ممکن برای تحقق و شکوفایی تربیت دینی استفاده مطلوب شده است؟ آیا هر چه از آغاز تشکیل حکومت اسلامی فاصله می‌گیریم

۱. ر.ک: «ضرورت و جایگاه تربیت مذهبی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و روشهای اجرایی و تحقق عملی آن» اثر یوسف سلطانی، خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت، «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» ص ۹۵.

مشکلات و ضعف‌های ما در عرصه تربیت دینی بیشتر نمی‌شود؟ آیا متناسب با شدت تهاجم فرهنگی و تلاش‌هایی که برای دورکردن نوجوانان و جوانان ما از معنویت و کانون‌های دینی می‌شود نظام آموزش و پرورش ما خود را برای دفاع و مقابله مهیا ساخته است؟ آری با تأمل در برخی امور مربوط به حوزه عام نظام آموزش و پرورش می‌توان ادعا کرد که هنوز تربیت دینی در اولویت همه جانبه و بایسته خود قرار نگرفته است و شواهدی را بر این مدعا می‌توان اشاره نمود. کافی است برای بررسی صحت این مدعا آموزش و پرورش ما پژوهشی دقیق و کامل انجام دهد و بررسی نماید که در مجموعه پژوهش‌های انجام شده در عرصه تعلیم و تربیت چه نسبتی به پژوهش در تربیت دینی اختصاص یافته است. مجلات متعددی که در نظام آموزش و پرورش عرضه می‌شود چه سهمی را به تربیت دینی اختصاص داده‌اند. نگارنده که به مناسبتی تعداد قابل توجهی از این مجلات را در پی جستجوی موضوعات مربوط به تربیت دینی مورد بررسی قرار داده است، دستاورد قابل توجهی را نیافته است. این وضعیت مایه تأسف و نگرانی است و این تأسف آن‌گاه بیشتر می‌شود که مقایسه‌ای میان موضوعات مربوط به تربیت دینی مجلات کشورهای مسلمان غیر شیعی را با مجلات تربیتی کشور مبتنی بر مکتب اهل بیت علیهم‌السلام داشته باشیم. از سوی دیگر شایسته است که از نظر کمی و کیفی پژوهش‌گران عرصه تربیت دینی ما با پژوهش‌گران سایر عرصه‌های درون نظام آموزش و پرورش مقایسه گردد؛ آیا به راستی این نسبت در حد قابل قبولی است؟ در مراکز پژوهشی تربیتی ما چه گروه‌ها و واحدهایی به تربیت دینی اختصاص یافته است؟ اصولاً یا چنین بخش‌هایی نیست و یا جزء آخرین گروه‌ها و واحدهایی است که تشکیل شده یا می‌شود. البته باز هم تأکید می‌شود که نباید آنچه انجام شده را نادیده و یا دست کم گرفت و نباید این ضعف را تنها متوجه نظام آموزش و پرورش دانست، بلکه این اشکال متوجه کانون‌های دینی خارج از نظام آموزش و پرورش رسمی نیز هست ولی سخن ما در گستره نظام آموزش و پرورش و در عدم اولویت بایسته آن است.^۱

۲. تفکیک ناخواسته میان تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت دو عنوان تفکیک‌ناپذیرند و تنها در پرتو این تفکیک‌ناپذیری است که

۱. عوامل دیگری که در ادامه بیان می‌شود نیز به نحوی مدعای عدم اولویت همه جانبه و شایسته را تقویت می‌کند.

نقش معنایی و رسالت مفهومی خویش را به درستی ایفا می‌نمایند، از سوی دیگر تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای تابعی از مکاتب تربیتی و خواسته‌های حاکم بر اکثریت افراد آن جامعه است؛ جامعه ماکه مبتنی بر مبانی دینی است نیز می‌بایست تعلیم و تربیتش دینی باشد و در همه پیکره آن این رنگ دینی تجلی نماید. علی‌رغم درست و معقولانه بودن دو نکته بیان شده، این نقطه ضعف تا حدودی در تعلیم و تربیت جامعه اسلامی ما وجود دارد که «آموزش» جدای از «پرورش» است. مراکز آموزشگاهی ما دغدغه اصلی‌شان آموزش و تدریس است و رسالت تربیتی خویش را همگام و هماهنگ با رسالت آموزش‌شان ایفا نمی‌نمایند. این یک ضعف آشکار است که در مدارس ما عمدتاً معلمان دینی و مربیان پرورشی تازه اگر به خوبی انجام وظیفه نمایند خود را در قبال تربیت دینی دانش‌آموزان مسئول می‌دانند؛ برای نمونه، در مدرسی که نماز جماعت اقامه می‌شود عمدتاً مربیان پرورشی و معلمان دینی حضور می‌یابند و دیگر معلمان حضور کم‌رنگ دارند و یا اصلاً حضور ندارند. البته شکی نیست که از مربیان پرورشی و معلمان دینی انتظار بیشتری می‌رود ولی آیا دیگر معلمان ریاضی، انگلیسی، ورزش، فارسی و وظیفه‌ای در قبال تربیت دینی دانش‌آموزان ندارند، آیا از اینان انتظار اعمال و رفتار دینی بگونه‌ای که سرمشق و الگو برای دانش‌آموزان باشند نمی‌رود؟! آری سایر معلمان چه توجه داشته باشند و چه نداشته باشند رفتار و منش آنان برای دانش‌آموزان الگو خواهد بود و بلکه اعمال و رفتار اخلاقی و دینی آنان چه بسا به مراتب از مربیان پرورشی و معلمان دینی مؤثرتر و نافذتر باشد. نگارنده خاطره زیبای حضور معلم زبان خود در صف جماعت مسجد و صحبت‌های شیرین معلم ریاضی در موضوعات دینی که در بیست و دو سال قبل انجام گرفته بود را هرگز فراموش نمی‌کند و همچنان تأثیر خوشایند آن را حس می‌کند. به راستی نقطه ضعف یاد شده ناشی از تفکیک آموزش و پرورش به ویژه پرورش دینی و اخلاقی است، و آموزشگاه‌های رسمی ما آن گونه که از اسامشان پیداست آموزشگاهند و نه کانون‌های آموزشی و تربیتی.

۳. عدم نیازسنجی تربیت دینی و تعیین اولویت‌های برنامه‌های تربیت دینی نوجوانان و جوانان:

نوجوانان و جوانان به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر، خطرات و انحرافات بیشتری آنان را

تهدید می‌کند و به طور طبیعی نیازهای آنان در راستای تربیت دینی بیش از دیگر اقشار است. از سوی دیگر گرچه نظام آموزش و پرورش تنها متولی تربیت دینی جوانان و نوجوانان نیست و لکن عمده فرصت نوجوانی و جوانی فرزندان جامعه ما در اختیار آنان است، دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت، مثولی مستقیم و شایسته تربیت دینی آنان هستند و آنان بهتر می‌توانند نیازهای این قشر را کشف نموده و در صدد رفع آنها برآیند. ولی آیا به راستی در نظام آموزش و پرورش ما نیازسنجی لازم در امر تربیت دینی انجام گرفته است؟! آیا همچنان که کمیته‌ها و ستادهایی جهت بررسی مسأله افت تحصیلی و مانند آن تشکیل می‌شود برای سنجش و بررسی افت تربیت دینی چنین ستادهایی تشکیل شده است؟

آیا تاکنون نیازهای تربیت دینی دانش‌آموزان به طور کامل شناسایی و طبقه‌بندی و اولویت‌بندی شده است؟ و آیا در صورت انجام چنین مراحل، اقدامات لازم برای سازماندهی و پاسخ‌گویی لازم به این نیازها انجام گرفته است؟

۴. عدم کادرسازی لازم برای تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش:۱

نظام آموزش و پرورش جامعه اسلامی ما به دلیل ماهیت فرهنگی و تربیتی که دارد باید ارزش‌های دینی و احساس مسئولیت دینی در میان همه عناصر و دست‌اندرکارانش حاکم باشد و همچنان که پیش از این اشاره شد یکی از آسیب‌های جدی، جدایی تعلیم و تربیت و عدم احساس مسئولیت همه عناصر نظام در قبال تربیت دینی است. در عین حال ضروری است همچنان که برای سایر بخش‌های نظام آموزش و پرورش چون فنی حرفه‌ای، تربیت بدنی و امثال آن کادرهای ویژه‌ای پرورش می‌یابد، در بعد تربیت دینی به دلیل ظرافت و حساسیت ویژه آن سرمایه‌گذاری بیشتری شود و کادرهای ویژه‌ای تربیت گردد، با این حال چنین عزمی و چنین حساسیت ضروری و بایسته‌ای، آن گونه که شایسته است مشاهده نمی‌شود. برای نمونه در نظام آموزش و پرورش ما مربیان پرورشی مستقیم‌ترین مسئولیت را در زمینه تربیت دینی دانش‌آموزان دارند ولی آیا آنان برای ایفای چنین نقش بزرگ و با اهمیتی تربیت شده‌اند؟! متأسفانه برخی از مربیان

۱. ر.ک: «آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نوه اثر علی ساداتی، خلاصه مقالات ششمین مجمع

پرورشی پس از آن که در کنکور دانشگاه موفق نشده و حتی در تربیت معلم در رشته‌های مورد علاقه و با اولویت خود قبول نمی‌شوند، در رشته پرورشی که جزء انتخاب‌های ردیف آخر آنهاست از روی ناچاری مشغول به تحصیل می‌شوند؛ بدیهی است که از چنین مربی که از روی رغبت و انگیزه و از سر تکلیف و مسئولیت به امر پرورش نمی‌پردازد، نمی‌توان انتظار زیادی در عرصه تربیت دینی داشت. آری دست اندرکاران امر تربیت دینی اگر خود دغدغه تربیت دینی نداشته باشند و ضرورت و اهمیت این امر را از عمق جان احساس نکرده باشند و سوز و گداز تربیت دینی نداشته باشند و در یک کلام برای این امر تربیت نشده باشند، چگونه می‌توانند در امر تربیت دینی موفق باشند؟! علی رضی الله عنه فرموده است: «من نصب نفسه للناس اماما فليبدء بتعليم نفسه قبل تعليم غيره وليكن تأديبه بسيرة قبل تأديبه بلسانه و معلم نفسه وموديا احق بالاجلال من معلم الناس ومؤدبهم...» آن که خود را پیشوای مردم سازد پیش از تعلیم دیگری باید به ادب کردن خویش پردازد و پیش از آن که به گفتار تعلیم دهد به کردار ادب نماید و آن که خود را تعلیم دهد و ادب اندوزد شایسته‌تر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب آموزد^۱.

۵. ضعف کتاب‌های تعلیمات دینی و بینش اسلامی^۲ و عدم روش تدریس مناسب:

از جمله عوامل تأثیرگذار در عرصه تربیت دینی مواد آموزشی دینی و اخلاقی در مقاطع مختلف تحصیلی نظام آموزش و پرورش ماست. این متون در صورتی که از شرایط مناسب از قبیل قوت متن، متناسب بودن با مقاطع سنی و تحصیلی، و پاسخ‌گو بودن به نیازهای دینی و شیوه تدریس صحیح برخوردار باشند می‌توانند نقش قابل توجهی در تقویت باورهای دینی و پای‌بندی به احکام عملی و رفتارهای اخلاقی دانش‌آموزان داشته باشند، ولی آیا این شرایط در نظام آموزش و پرورش ما آن گونه که بایسته است مورد توجه قرار گرفته و می‌گیرد؟ آیا کتاب‌های دینی از محتوای مناسب با نیازهای دینی دانش‌آموزان مقاطع مختلف برخوردارند؟ آیا حجم طولانی و مطالب

۱. نهج البلاغه، حکمت ۷۳.

۲. ر.ک: «بررسی تربیت و آموزش دینی» در کتابهای مقطع دبیرستان، اثر سعید عدالت نژاد، خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت، «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» ص ۱۲۳-۱۲۱ و «تحلیل محتوای آموزشهای دینی دوره ابتدایی» اثر حسن شکوهیان، همان، ص ۱۱۲-۱۱۰.

سنگین و خشک برخی کتاب‌ها به ویژه در مقطع متوسطه تأثیر لازم را در تربیت دینی دانش‌آموزان دارد؟ آیا ارزیابی‌های لازم و تحقیقات میدانی کافی برای سنجش ثمربخش بودن این متون به مقدار لازم انجام گرفته است؟ آیا همچنان که برای زبان بیگانه و درس ریاضی و مانند آن ضرورت راهنمای تدریس و شیوه‌های تدریس مناسب احساس می‌شود برای کتاب‌های دینی احساس می‌شود؟ واقعیت آن است که دروس دینی به علت ماهیت ویژه و نقش و اهمیت آنان در شکل‌گیری شخصیت اخلاقی و معنوی دانش‌آموزان از حساسیت و ظرافت بالایی برخوردارند و توجه ویژه‌ای را می‌طلبد که غفلت از آنها آثار سوئی بر تربیت دینی نیز خواهد داشت به طوری که می‌توان آن را از آسیب‌های جدی تربیت دینی به حساب آورد.

۶. ضعف ارتباط نظام آموزش و پرورش با کانون‌های دینی به ویژه حوزه علمیه:

تربیت دینی نوجوانان و جوانان امر پیچیده، ظریف و پرهزینه‌ای است که انتظار تحقق آن توسط نظام آموزش و پرورش بدون همکاری سایر عوامل تأثیرگذار انتظاری نابجا و غیر متنصفانه است، بی‌شک در میان عوامل تأثیرگذار، کانون‌های دینی و مراکز مذهبی به ویژه حوزه‌های علمیه نقش بسیار چشم‌گیری خواهند داشت و آموزش و پرورش در پرتو ارتباط و هماهنگی با این کانون‌ها در ایفای رسالت تربیت دینی خود موفق‌تر خواهد بود. آموزش و پرورش به دلیل ارتباط مستقیم با دانش‌آموزان بهتر می‌تواند نیازهای دینی و اخلاقی آنان را کشف، طبقه‌بندی و اولویت‌بندی نماید. آموزش و پرورش می‌تواند شناخت‌های لازم از وضعیت روحی و مشکلات نوجوانان و جوانان را به کانون‌های دینی ارائه دهد و حتی در شیوه‌های مناسب برخورد با آنان این کانون‌ها را یاری دهد و آنها را به همکاری و پاسخ‌گویی مناسب با نیازهای دینی دانش‌آموزان فرا خواند. متأسفانه هم اکنون این ارتباط و هماهنگی، ضعیف و کم‌رنگ است به طوری که وزارت آموزش و پرورش پس از گذشت بیست و دو سال از انقلاب اسلامی برای نخستین بار ستاد همکاری حوزه و آموزش و پرورش را تشکیل می‌دهد و شاید در حوزه‌های علمیه نیز هنوز اراده جدی و ضرورت برقراری این ارتباط به طور همه‌جانبه احساس نشده باشد. به هر حال ضعف این ارتباط و عدم همکاری موثر و مساعی مشترک برای پاسخ‌گویی به نیازهای تربیت دینی دانش‌آموزان یکی از آسیب‌های تربیت

دینی جامعه ما به حساب می‌آید.^۱

منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه دکتر جعفر شهیدی.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه اسماعیلیان، بی‌تا.
۵. بناری، علی همت، تربیت جوان از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام، فرهنگ کوثر، سال دوم، شماره ۱۴ و سال سوم شماره ۲۵، صص ۳۶-۴۱.
۶. — «امام جماعت موفق مدارس: کارکردهای آموزشی و پرورشی، ویژگی‌ها و راهکارهای موفقیت»، نیایش نامه، پیش شماره سوم، زمستان ۱۳۷۸، صص ۱۲۷-۱۰۹.
۷. توماس، آر.ام، تربیت دینی، ترجمه سیدمحمدصادق موسوی، معرفت، ش ۳۳، صص ۲۲-۳۱.
۸. زارغان، محمد جواد، تربیت دینی، تربیت لیبرال، معرفت، ش ۳۳، صص ۸-۱۵.
۹. سادنی، علی، آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی در نسل نو. خلاصه مقالات ششمین جایگاه علمی تربیت «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» صص ۹۰-۸۶.
۱۰. سلطانی، یوسف، «ضرورت و جایگاه تربیت مذهبی در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و روشهای اجرایی و تحقق عملی آن». خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» صص ۹۶-۹۴.
۱۱. عدالت نژاد، سعید، «بررسی تربیت و آموزش دینی در کتابهای مقطع دبیرستان». خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» صص ۱۲۳-۱۲۱.
۱۲. شکوهیان، حسن، «تحلیل محتوای آموزشهای دینی دوره ابتدایی»، خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» صص ۱۱۲-۱۱۰.

۱. نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «امام جماعت موفق مدارس، کارکردهای آموزشی و پرورشی و راهکارهای موفقیت» که در نهمین اجلاس سراسری نماز ارایه گردید طرحی اجمالی برای همکاری حوزه علمیه و وزارت آموزش و پرورش در زمینه تربیت امام جماعت مدارس ارایه نموده که می‌تواند نمونه‌ای از همکاری حوزه و آموزش و پرورش باشد.

۱۳. عدالتی، غلامحسین، «کاربرد تکنولوژی آموزشی در تربیت دینی» خلاصه مقالات ششمین مجمع علمی جایگاه تربیت «تربیت دینی کودکان و نوجوانان» صص ۱۲۶-۱۲۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی